

پاکستان؛ شصت سال حیات

عبدالغفور دورانی



مقدمه

مسلمانان به عنوان میراث داران امپراتوری مسلمان مغول [۱۸۵۷ - ۱۵۲۶م.] پس از اشغال شبه قاره هند توسط استعمار انگلیس، جنبش‌ها و مبارزات بسیاری را برای آزادی و استقلال هند آغاز کردند و در این راه فداکاریها و جانفشانی‌های طاق‌فرسایی را متحمل شدند.

کمپانی انگلیسی هند شرقی که از اوایل قرن هفدهم و به بهانه فعالیت‌های بازرگانی وارد هند شده بود، پس از درگذشت اورنگ‌زیب عالمگیر، آخرین پادشاه مقتدر مسلمان مغول، در سال ۱۷۰۷م. و آغاز انحطاط امپراتوری مغولان و تشکیل دولتهای کوچک و محلی، با فرصت‌طلبی و سوءاستفاده از در هم شکسته شدن قدرت مرکزی و آشفتگی‌های کشور به اشغال بخش‌هایی از هند پرداخت. همزمان مقاومت مردم هند در مقابل این اشغالگری و سلطه‌طلبی کمپانی هند شرقی آغاز شد. در اواخر قرن هجدهم مبارزات حیدرعلی میسوری و پسرش تیپو سلطان همچون سد بزرگی جلوی پیشروی این ماجراجویان انگلیسی را گرفت و پیروزیهایی را نصیب آنان کرد؛ اما پس چند دهه مقاومت جانانه، این سد از میان برداشته شد.

در سال ۱۸۰۳م. فتوای شاه عبدالعزیز دهلوی مبنی بر دارالحرب شدن هند صادر گردید و سنگ بنیاد نهضت آزادی مسلمانان هند قرار گرفت.^(۱) متعاقب آن جنبش سید احمد بن عرفان شهید [۱۸۳۱ - ۱۷۸۶م.] شکل گرفت و به مدت دو دهه مبارزات مسلحانه و طاق‌فرسایی را علیه انگلیسی‌ها و ایادیشان سیکها انجام داد. سرانجام سید احمد شهید در سال ۱۸۳۱م. به اتفاق بسیاری از هم‌زمانش در شمال غربی هند در منطقه بالاکوت به شهادت رسید.

پس از آن نیز جنبش‌های اسلامی و مبارزات ضد استعماری مردم هند اعم از مسلمان و هندو ادامه یافت و به رهبری امرای مسلمان و شخصیت‌های عرفانی و علمی برجسته‌ای همچون حاج امدادالله مهاجر مکی، مولانا محمدقاسم نانوتوی مؤسس دارالعلوم دیوبند، مولانا رشیداحمد گنگوہی و حافظ ضامن علی شهید و بسیاری دیگر همچون مولانا فضل حق خیرآبادی و مفتی عنایت‌احمد کاکوروی^(۲)، قیام و شورش بزرگ سال ۱۸۵۷م. در دهلی و نواحی شمالی هند علیه انگلیسی‌ها به راه افتاد. اما این قیام پس از پیروزی موقت، توسط

نظامیان انگلیسی به طرز فجیعی به خاک و خون کشیده شد و شکست خورد. با محاصره و سقوط دهلی و کشته شدن بهادرشاه دوم، سلسله مغولان کبیر هند نیز منقرض گردید. از آن پس دولت انگلستان با کنار گذاشتن کمپانی هند شرقی مستقیماً اداره امور هند را به عهده گرفت و فرمانروای کل انگلیسی در هند با لقب «نایب السلطنه» حکومت می‌کرد. به این ترتیب شبه قاره هند کاملاً تحت استعمار انگلیس درآمد.^(۳)

پس از شکست انقلاب سال ۱۸۵۷م. مبارزات در جبهه‌های دیگری همچنان ادامه یافت. در سال ۱۲۸۳هـ.ق. ۱۸۶۶م. توسط مولانا محمدقاسم نانوتوی و جمعی از هم‌زمانش دارالعلوم دیوبند بنیان نهاده شد و به یکی از مراکز ثقل مسلمانان در نهضت آزادی هند تبدیل گردید. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مسلمانان هند با تشکیل نهادها و جنبش‌هایی مانند ثمره التریبه [سال تأسیس: ۱۸۷۸م.]، جمعیت الأنصار [۱۹۰۹م.] و جمعیت علمای هند [۱۹۱۹م.]، به رهبری شیخ الہند مولانا محمودالحسن دیوبندی و مولانا حسین احمد مدنی، مجلس احرار اسلام، جمعیت علمای اسلام [۱۹۴۵م.] و مسلم لیگ [۱۹۰۶م.]، و به راه انداختن نهضت‌هایی نظیر جنبش خلافت [۱۹۱۹م.]، به رهبری مولانا محمدعلی جوهر و مولانا شوکت علی، جنبش عدم تعهد و ترک موالات و نیز عضویت در حزب کنگره ملی هند [۱۸۸۵م.]، به رهبری مهاتما گاندی، جواهر لعل نهرو و مولانا ابوالکلام آزاد، گام‌های بلندی را در راه آزادی سرزمین خود برداشتند.

این تلاشها که برای آزادی کل شبه قاره هند به صورت یکپارچه در جریان بود، با سیاستهای تفرقه افکنانه دولت انگلیس و به راه انداختن جنگ مذهبی میان هندوها و مسلمان‌ها، به جدایی و نفرت پیروان دو مذهب از یکدیگر انجامید و به عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز کشیده شد و سرانجام به تقسیم شبه قاره هند منتهی گردید.

نظریه تأسیس پاکستان

در دسامبر ۱۹۰۶م. مسلمانان تشکیل "حزب مسلم لیگ سراسر هند" را در شهر داکا اعلام کردند. این حزب که در آغاز یک حزب مذهبی بود، بعدها سیاسی شد و تحت رهبری محمدعلی جناح، استقلال پاکستان را به ارمغان آورد.^(۴) محمدعلی جناح که هم‌زمان عضو حزب کنگره

جنایاتی که هزاران کشته و زخمی و میلیون‌ها آواره و بی‌خانمان بر جای گذاشت. در این بحبویه بسیاری از هندوها و سیک‌های ساکن پاکستان نیز کشته و آواره شدند.

محمدعلی جناح در سال ۱۹۴۸م. از دنیا رفت و پس از وی خواجه ناظم‌الدین به عنوان فرماندار کل پاکستان منصوب شد. پاکستان از همان آغاز تأسیس با مشکلاتی مواجه بود که بخشی از آنها میراث استعمار انگلیس و برخی ناشی از مخاصمات با هند بود. سیل مهاجرت‌های بزرگ مسلمانان از سراسر هند به سوی این کشور و برخورد‌های نظامی بر سر جامو و کشمیر با هند بر مشکلات می‌افزود.^(۴)

لیاقت علی خان در سال ۱۹۵۱م. در پارک لیاقت باغ راولپندی هنگام ایراد سخنرانی ترور شد.^(۵) همان پارکی که بی‌نظیر بوتو در دسامبر سال ۲۰۰۷م. در آن مورد سوء قصد قرار گرفت و کشته شد. با ترور لیاقت علی خان این اندیشه به وجود آمد که دست‌های پنهانی وجود دارند و نمی‌خواهند که پاکستان روز خوشی را ببیند.

پس از ترور لیاقت علی خان خواجه ناظم‌الدین با حفظ سمت فرمانداری کل نخست‌وزیری را نیز به عهده گرفت. در مارس ۱۹۵۳م. بر اثر اغتشاشات و شورش‌ها در پاکستان شرقی و همچنین وجود اختلافات با هند بر سر موضوع کشمیر خواجه ناظم‌الدین استعفا کرد و ژنرال غلام محمد به فرمانداری کل پاکستان انتخاب گردید. در آوریل ۱۹۵۳م. محمدعلی بغرا به نخست‌وزیری رسید. او قبل از تصدی نخست‌وزیری سمت سفیر پاکستان در آمریکا را داشت.^(۶)

در اکتبر ۱۹۵۵م. ژنرال غلام محمد به علت بیماری استعفا کرد و ژنرال اسکندر میرزا به عنوان فرماندار کل و چوهدری محمد علی به عنوان نخست‌وزیر انتخاب شدند. این کشور در ۲۳ مارس ۱۹۵۶م. زمانی که اولین قانون اساسی خود را اعلام نمود، یک جمهوری شد. در همان زمان ژنرال اسکندر میرزا اولین رئیس‌جمهور پاکستان گردید.^(۷)

اسکندر میرزا مردی بی‌لیاقت بود و در زمان وی تمایلات جدایی‌طلبانه که از قبل آغاز شده بود، شدت گرفت. ارتش با اعلام حکومت نظامی در سال ۱۹۵۸م. به بلوچستان یورش برد.

ژنرال ایوب خان با فرستادن اسکندر میرزا به خارج از کشور، در سال ۱۹۵۸م. عهده‌دار حکومت پاکستان شد. ایوب خان که غرب‌گرا بود، کشور را به سوی دین‌زدایی پیش برد، و نیز آزادی‌های فردی را محدود کرد.

تنش میان هند و پاکستان در سال ۱۹۶۵م. شدت گرفت و ارتش هند تا سرحد تصرف لاهور پیش رفت، ولی مقاومت جانانه ارتش و مردم پاکستان، آن را زمین‌گیر کرد و در آخر دو کشور با وساطت شوروی در تاشکند قرارداد ترک‌مخاصمه و آتش‌بس امضا کردند.

سیاست‌های خودکامه سیاسی و اقتصادی ایوب خان، پاکستان را آشفته کرد. سرکوب مخالفان سیاسی، وضعیت وخیم اقتصادی و اعتصاب‌های بی‌درپی، ایوب خان را پس از یازده سال حکومت در ۲۵ مارس ۱۹۶۹م. وادار به استعفا کرد. اما این پیروزی مخالفان دیری نپایید، زیرا ایوب خان حتی طبق قانون خودساخته‌اش عمل نکرد و به جای واگذاری حکومت به رئیس‌مجلس ملی، یحیی خان را به فرماندهی ارتش و ریاست جمهوری پاکستان منصوب کرد و بار دیگر حکومت

ملی به رهبری گاندی نیز بود، پس از جدایی کامل از حزب کنگره در سال ۱۹۳۰م. به اتفاق همفکرانش مستقلاً به فعالیت پرداخت.^(۸) در اجلاس سالیانه مسلم لیگ به ریاست علامه محمدآقبال در شهر الله‌آباد در دسامبر ۱۹۳۰م. ضرورت تشکیل میهن‌جداگانه برای مسلمانان شبه‌قاره اعلام شد. در سال ۱۹۳۳م. چوهدری رحمت‌علی، دانشجوی مسلمانی که در کمبریج تحصیل می‌کرد، جزوه‌ای انتشار داد و برای نخستین بار میهن‌مورد درخواست مسلمانان را «پاکستان» نامید.^(۹)

در انتخابات محلی سال ۱۹۳۶م. حزب کنگره در ایالت‌هایی که اکثریت با غیرمسلمانان بود تقریباً همه کرسی‌های نمایندگی را به خود اختصاص داد. تصمیمات هندوان در زمینه حکومت از طرف انگلیسی‌ها پذیرفته می‌شد. از این رو اقداماتی در جهت تحکیم «رام راج» یا حکومت متعصبانه هندوان انجام دادند. زبان هندی را جانشین زبان اردو کردند، برنامه‌های درسی را مطابق نظر هندوان تدوین نمودند و سرودی مبنی بر نفرت از مسلمانان موسوم به «بندی ماترم» یا «سلام بر تو مادر» به عنوان سرود ملی متداول کردند.^(۱۰)

تحت تأثیر این تجربه تلخ از حکومت اکثریت هندو و شکاف‌هایی که پیش از این رخ داده بود، حزب مسلم لیگ طی برگزاری اجلاسی در لاهور در ۲۳ مارس ۱۹۴۰م. از دولت انگلیسی هند تقسیم شبه‌قاره را بر اساس نظریه دو ملیت مسلمان و هندو خواستار شد. این قطعنامه به «قرارداد پاکستان» مشهور گردید. بنا بر این قطعنامه، ایالت‌های دارای اکثریت مسلمان از هند جدا شده و کشوری را به نام پاکستان تشکیل می‌دادند.

جمعیت علمای هند، مجلس احرار اسلام، جماعت اسلامی و اعضای مسلمان حزب کنگره ملی با تشکیل کشور پاکستان مخالفت نمودند و مولانا حسین احمد مدنی، رهبر جمعیت علمای هند، آن را پیام مرگ برای اقلیت‌های مسلمان در دیگر ایالات هند دانست.^(۱۱) علمای طرفدار تشکیل پاکستان با جدایی از جمعیت علمای هند، جمعیت علمای اسلام را به رهبری علامه شبیر احمد عثمانی در سال ۱۹۴۵م. در کلکته بنیان نهادند و به طور مستقل برای تشکیل پاکستان دست به فعالیت زدند.

پاکستان متحد

سرانجام با کوشش مسلم لیگ و جمعیت علمای اسلام، کشور پاکستان در ایالت‌های پنجاب غربی، سند، سرحد شمال غرب، بلوچستان بریتانیا و بنگال شرقی، در تاریخ ۱۴ اگست ۱۹۴۷م. در دو سوی هند اعلام موجودیت کرد. پرچم استقلال پاکستان را در کراچی (مرکز پاکستان غربی) مولانا شبیر احمد عثمانی و در داکا (مرکز پاکستان شرقی و بنگلادش فعلی) مولانا ظفر احمد عثمانی از رهبران جمعیت علمای اسلام به اهتزاز در آوردند و محمدعلی جناح به عنوان اولین حاکم و فرماندار کل پاکستان غربی و شرقی مقرر گردید. لیاقت علی خان نیز به عنوان اولین نخست‌وزیر پاکستان انتخاب شد.

اگر چه در ایالت‌های دارای اکثریت مسلمان شبه‌قاره، کشوری به نام پاکستان تشکیل شد، ولی این امر خشم هندوها را برانگیخت و آنان با وحشیانه‌ترین شکل ممکن به غارتگری و قتل عام مسلمانان پرداختند.

نظامی به پاکستان بازگشت.

تجزیه پاکستان

حکومت ژنرال یحیی خان را می توان سیاه ترین دوران تاریخ کشور پاکستان دانست؛ زیرا در این دوره بود که پاکستان تجزیه شد و پاکستان شرقی از پاکستان غربی جدا و بنگلادش پدید آمد. پاکستان شرقی دارای جمعیت بیشتری بود، ولی عملاً با مردم آن مانند اقلیت و مستعمره پاکستان غربی رفتار می شد. از امکانات و امور توسعه ای بی بهره بود. ارتش به عنوان بزرگترین کارفرما در پاکستان ۹۰ درصد نیروهایش را از غرب جذب می کرد و ۸۰ درصد پست های دولتی در اختیار پاکستانی های نیمه غربی بود. این تبعیضات، بی اعتنائی ها و سوء استفاده ها، اعتراضات و ناسیونالیسم بنگالی را در شرق تقویت کرد.

پس از آنکه یحیی خان در هفتم دسامبر ۱۹۷۰م. اولین انتخابات آزاد و سراسری پاکستان را برگزار کرد، حزب عوامی لیگ به رهبری شیخ مجیب الرحمن در پاکستان شرقی قاطعانه پیروز شد و در پاکستان غربی حزب مردم ذوالفقار علی بوتو ۸۲ کرسی از ۱۳۸ کرسی پارلمان را به دست آورد. بنگالی ها دست به شورش زده و فرودگاه داکا را تصرف کردند. آنان از پرداخت مالیات سرباز زدند و حتی کارمندان بنگالی بانک مرکزی دست به اعتصاب زدند. این اقدامات در اثر تحریکات شیخ مجیب الرحمن برای کسب استقلال صورت می گرفت که هند و شوروی از آن حمایت می کردند.

ولی در نیمه دیگر پاکستان، جناح پیروز در پی همکاری و مذاکره بود. ذوالفقار علی بوتو به وحدت و یکپارچگی پاکستان و برچیده شدن حکومت یحیی خان امیدوار بود و دست به هر کوششی زد تا نظر حزب عوامی لیگ را جلب کند. بوتو مذاکراتی را در داکا آغاز کرد و در حالی که او در ۲۷ مارس ۱۹۷۱م. برای دور دیگری از مذاکرات در داکا بسر می برد، یحیی خان به ارتش دستور سرکوب شورش ها را داد. یحیی خان با این تنگ نظری و بی درایتی خود یکی از فجیع ترین قتل عام ها را در پاکستان شرقی به راه انداخت.

هند به بهانه جلوگیری از هجوم پناهندگان بنگالی و در حقیقت در حمایت از جدایی طلبان در دسامبر ۱۹۷۱م. با ارتشی شش برابر بزرگتر از ارتش پاکستان، به شرق و غرب این کشور حمله برد و جنگی تمام عیار را به راه انداخت. یحیی خان دست به دامان بوتو شد و او را مأمور نجات پاکستان کرد. ولی دیگر دیر شده بود، تلاش های مجدانه بوتو در مذاکره با قدرتهای جهانی در نیویورک و شورای امنیت سازمان ملل به ثمر ننشست و در ۱۶ دسامبر ۱۹۷۱م. داکا سقوط کرد و ارتش پاکستان با اسارت ۹۳ هزار نفر از اعضایش تسلیم شد. غم، اندوه و خشم، پاکستان را فرا گرفت و یحیی خان در ۲۰ دسامبر ۱۹۷۱م. مجبور به کناره گیری از قدرت شد.^(۱۳)

پاکستان جدید

ذوالفقار علی بوتو به عنوان رئیس جمهور و سپس نخست وزیر، اولین حکومت برخواسته از آرای مردم را پس از کناره گیری یحیی خان تشکیل داد. او در ژوئن ۱۹۷۲م. توافقنامه موسوم به سیملا را با هند

امضا کرد که بر اساس هند پنج هزار میل مربع از اراضی اشغال شده در جنگ ۱۹۷۱م. را به پاکستان بازگرداند، و بوتو به بانی پاکستان جدید مشهور گشت.

معتبرترین قانون اساسی کشور پاکستان در سال ۱۹۷۳م. به تصویب همه احزاب و گروه های موجود رسید. بوتو دست به اصلاحات ارضی زد. وی پس از بازگشت از سفر به ایران در سال ۱۹۷۳م. دولت محلی برخواسته از آرای مردم را در ایالت بلوچستان منحل کرد و باعث اغتشاش و شورش در این ایالت شد. مفتی محمود سر وزیر ایالت سرحد به نشانه اعتراض به اقدام بوتو، به اتفاق اعضای کابینه اش استعفا داد. در همین دهه مناطق پشتون نشین شاهد ناآرامی هایی با حمایت دولت افغانستان بودند.

حزب مردم پاکستان به رهبری بوتو در انتخابات مجلس ملی در ماه مارس ۱۹۷۷م. اکثریت کرسی ها را به دست آورد. مخالفان، یعنی اتحاد ملی پاکستان، حزب مردم را به تقلب در انتخابات متهم کردند و در پی آن زدوخوردهای خیابانی اوج گرفت و حدود هزار نفر در برخورد بین پلیس و تظاهرکنندگان کشته و چهل هزار نفر دستگیر شدند.

در ژوئیه ۱۹۷۷م. نیروهای نظامی در بحران دخالت کردند و ژنرال ضیاء الحق فرمانده ارتش پاکستان در کودتایی بدون خونریزی دولت بوتو را عزل کرد. ژنرال ضیاء الحق با اعلام حکومت نظامی، احزاب را منحل کرد و بوتو را به اتهام دستور قتل یکی از مخالفان سیاسیش، در ۴ آوریل ۱۹۷۹م. اعدام کرد.

در دوره حکومت ژنرال ضیاء الحق و در سال ۱۹۷۹م. ارتش شوروی به افغانستان یورش برد که پاکستان به عنوان متحد جهان آزاد، نقشی تاریخی را در جنگ افغانستان ایفا کرد. پاکستان علاوه بر پناه دادن مهاجران افغان، پایگاه مهم مجاهدین و مبارزین افغان به شمار می رفت. ژنرال ضیاء الحق در ۱۷ اگست ۱۹۸۸م. در اثر انفجار یک فروند هواپیمای سی ۱۳۰ - کشته شد. برخی این انفجار را به طور غیررسمی به هند و شوروی و پاره ای آن را به آمریکا نسبت دادند. در پی این حادثه، رئیس سنا غلام اسحاق خان به جای رئیس جمهور منصوب شد و یک شورای ملی موقت که متشکل از مقامات نظامی عالی رتبه، فرماندهان کل چهار ایالت و چهار سر وزیر بود، معین شد تا اداره دولت را به عهده بگیرد.^(۱۴) به رغم تشکیل یک دولت موقت قرار شد انتخابات عمومی که ژنرال ضیاء الحق آن را اعلام کرده بود، در نوامبر ۱۹۸۸م. برگزار شود. در این انتخابات حزب مردم به رهبری بی نظیر بوتو به پیروزی رسید. اما دو سال بعد با بد شدن وضعیت اقتصادی و متهم شدن دولت بوتو به فساد مالی و اداری، رئیس جمهور طبق قانون اساسی مجلس ملی را منحل کرد و نخست وزیر و کابینه اش بر کنار شدند.

در انتخابات عمومی بعدی که در اکتبر ۱۹۹۰م. برگزار شدند نواز شریف و احزاب متحد با وی به پیروزی رسیدند.

تا سال ۱۹۹۹م. هر یک از بی نظیر بوتو و نواز شریف رهبر حزب مسلم لیگ یک بار دیگر به نخست وزیری پاکستان رسیدند زیرا دولت های آنها قبل از پایان مهلت قانونی ساقط می شد.

در دهه نود میلادی ترور و خشونت های فرقه ای و قومی، شهرهایی چون کراچی را فرا گرفته بود. در دوره دوم نخست وزیری نواز شریف و در سال ۱۹۹۸م.، پاکستان با آزمایش بمب هسته ای به باشگاه دارندگان

دردناک ترین عملیات ارتش پاکستان در شهر اسلام آباد که طی آن صدها طلبه دختر و پسر در مسجد لال و جامعه حفصه، به فجیع ترین شکل قتل عام شدند. از آن به بعد پاکستان روی آرامش را به خود ندید و پایه های حکومت مشرف هر روز از روز قبل متزلزل تر شد.

پس از حادثه مسجد لال، رئیس برکنار شده دیوان عالی پاکستان، با رأی دادگاه به مسئولیت سابق بازگشت. او دستور پیگیری پرونده افراد ناپدید شده را صادر کرد که طی آن بسیاری از مخالفان مشرف و افراد بی گناه از بیدادگاه های ارتش و سازمان های امنیتی آزاد شدند.

دیوان عالی نیز به بازگشایی مسجد لال و سپردن تولید آن به مدیران سابقش رأی صادر کرد. درست در زمانی که مشرف ادعا می کرد که در انتخابات ریاست جمهوری در مجلس ملی و مجالس ایالتی که اپوزیسیون آن را تحریم کرده بود، به پیروزی رسیده است، دیوان عالی سرگرم بررسی پرونده انتخاباتی مشرف بود تا ریاست جمهوری اش را غیرقانونی اعلام کند. مشرف طی اقدامی قبل از اعلام حکم دیوان عالی، آن را در سوم نوامبر ۲۰۰۷م. منحل و با اعلام حالت فوق العاده، قانون اساسی را به حالت تعلیق در آورد. ولی سرانجام فشارهای خارجی و داخلی مشرف را به لغو حالت فوق العاده وادار کرد.

در سال ۲۰۰۷م. بی نظیر بوتو و نواز شریف دو مخالف حکومت مشرف، به پاکستان بازگشتند که مشرف طبق توافق قبلی به بوتو اجازه ورود داد و نواز شریف را بازگرداند.

بوتو در مراسم استقبال خود در کراچی مورد سوء قصد قرار گرفت، ولی جان سالم بدر برد. سرانجام وی در جلسه ای انتخاباتی در راولپندی در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۷م. ۶۱٪ بر اثر اصابت گلوله کشته شد و بار دیگر پاکستان صحنه خشونت های خیابانی به ویژه در ایالت سند شد. دولت موقت انتخابات را به تأخیر انداخت و نواز شریف با وساطت عربستان سعودی به پاکستان بازگشت.

عوامل تأثیرگذار در بحرانهای پاکستان

برخی رویدادهای کشور پاکستان از بدو تأسیس تاکنون تحت تأثیر بعضی مسائل داخلی و خارجی به وجود آمده است. هند را می توان رقیب و شاید دشمن همیشگی پاکستان نام نهاد، زیرا بسیاری در هند مخالف تأسیس پاکستان بودند و هنگام استقلال پاکستان، قتل عام مسلمانان را به راه انداختند.

کشمیر که بدون تعیین سرنوشت از طرف انگلیسی ها رها شده بود، پس از آنکه بخشی از آن توسط مردم پاکستان آزاد شد، به مسئله مورد نزاع هند و پاکستان تبدیل شد و دو جنگ از سه جنگ میان هند و پاکستان بر سر مسئله کشمیر روی داده است. اگر چه بعد از امضای توافق نامه سیملا از تنش میان دو کشور کاسته شد، ولی پس از آغاز مبارزات مسلحانه جدایی طلبان کشمیر در سال ۱۹۸۴م. هند همواره پاکستان را به پشتیبانی از این مبارزات و دخالت در امور کشمیر متهم کرده است. نیز در درگیری کارگیل دو کشور تا سرحد جنگ تمام عیار در سال ۱۹۹۹م. پیش رفتند. با سفر مشرف به هند و عقد برخی قراردادها روابط دو کشور تا حدودی بهبود یافت، ولی هنوز زود است که هر دو کشور به یک توافق پایدار در روابط خود در خصوص منطقه کشمیر دست پیدا کنند.

سلاح هسته ای پیوست. درگیری میان هند و پاکستان در منطقه کارگیل کشمیر در سال ۱۹۹۹م. در حال تبدیل شدن به جنگی تمام عیار بود که نواز شریف تحت فشار امریکا، به ارتش پاکستان دستور عقب نشینی داد که این امر باعث بروز اختلاف میان او و ژنرال پرویز مشرف فرمانده ارتش شد.

دوره ژنرال مشرف

نواز شریف در حالی که در اکتوبر ۱۹۹۹م. مشرف را از ارتش برکنار کرده بود، تلاش کرد از فرود هوایمای حامل او در فرودگاه کراچی جلوگیری کند که ارتش فرودگاه را محاصره کرد و هوایمای مشرف را از سقوط نجات داد. مشرف بلافاصله دست به کودتا زد و دولت نواز شریف را سرنگون و خود را او بازداشت کرد. سرانجام در سال ۲۰۰۲م. نواز شریف به عربستان سعودی تبعید شد.

دوران مشرف را پس از جدایی پاکستان شرقی (بنگلادش)، می توان آشفته ترین روزهای پاکستان به شمار آورد. با حمله امریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱م. پاکستان در انتخابی سخت به عنوان حامی حکومت طالبان، دست از حمایت آن برداشت و در کنار امریکا قرار گرفت. مشرف در یک همه پرسی، ریاست جمهوری خود را به رأی گذاشت و ادعا کرد که ۷۰ درصد مردم به او رأی داده اند.

او در سال ۲۰۰۲م. انتخابات مجلس ملی و مجالس ایالتی را برگزار کرد. انتخاباتی که مخالفان به تقلب چشمگیر در آن اعتراض کردند. در این انتخابات حزب مسلم لیگ شاخه قانداغظم که طرفدار مشرف بود، به پیروزی رسید و دولت تشکیل داد و احزاب اسلامگرا و مخالفان مشرف در مقام اپوزیسیون قرار گرفتند.

در این دوره اوضاع پاکستان هر روز آشفته تر می شد. مشرف ارتش را برای تعقیب طالبان به مناطق قبیله ای اعزام کرد و جنگی داخلی به راه انداخت و این امر اوضاع را پیچیده تر و وخیم تر کرد. ارتش تصمیم به ایجاد پادگان های متعدد در بلوچستان گرفت که با مخالفت مردم و احزاب ملی گرامواجه شد و مجلس این ایالت با اکثریت قاطع مخالفت خود را با این تصمیم اعلام کرد. ولی ارتش مخالفان را سرکوب کرد. بلوچ ها خواستار خودمختاری ایالت خود و سهم بیشتر از ثروت های طبیعی بلوچستان، به عنوان مهم ترین تأمین کننده سوخت پاکستان هستند. آنها ایجاد بندر آزاد گوادر را سیاستی نژادی برای هجوم و اسکان مهاجرین و در نتیجه در اقلیت قرار دادن بلوچ ها و تصرف سرزمین شان می دانند.

در عملیات نظامی و امنیتی ارتش، شهر دیره بگتی ویران، هزاران نفر آواره و صدها نفر کشته و یا توسط سازمان های امنیتی ربوده و ناپدید شدند. معروف ترین رهبر مخالفان، نواب اکبرخان بگتی، سر وزیر سابق ایالت بلوچستان و رهبر حزب جمهوری وطن و همراهانش کشته شدند و سردار اختر مینگل رهبر حزب ملی بلوچستان بازداشت شد.^(۱۵)

مشرف در سال ۲۰۰۷م. چودری افتخارمحمد، رئیس دیوان عالی پاکستان، را برکنار کرد؛ زیرا او با اختیاراتی که در قوه قضائیه داشت، سیاستها و حتی ریاست جمهوری مشرف را به چالش کشیده بود. عزل چودری اعتصاب و تظاهرات سراسری و کلا را در پی داشت.

در همین اوضاع و در تابستان ۲۰۰۷م. حادثه مسجد لال روی داد.

و عده تشکیلات کمیسیون مصالحه و مفاهمه را دادند، به مشکلات بلوچستان رسیدگی نمایند و از دردهای این سرزمین و مردم آن بکاهند. همچنین دستهای پنهانی با استفاده از اختلافات مذهبی مردم و تحریک احساسات آنها، جنگ‌های مذهبی را در میان مردم دامن می‌زنند و این اختلافات را به اندازه‌ای تشدید می‌کنند که نوبت به تکفیر و کشتار یکدیگر می‌رسد.

در واقع همه این عوامل باعث ناپایداری پایدار در پاکستان شده‌اند.

سرنوشت نظام اسلامی در پاکستان

پایه‌های تأسیس پاکستان بر این نظریه شکل گرفت که اسلام و کفر با هم جمع نمی‌شوند و مسلمانان شبه قاره باید کشور مستقلی داشته باشند تا بتوانند در آن بر اساس قوانین اسلامی زندگی کنند و حکومتی اسلامی بسان حکومت خلافت راشد پدید آورند که قانون اساسی آن بر شریعت اسلامی استوار باشد و در تمام زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، صنعتی، سیاسی و نظامی رشد کرده و سرآمد ملل جهان شود. ولی با تأسیس پاکستان متوجه شدند که این آرزوها به این سادگی دست‌یافتنی نیست.

محمدعلی جناح یک ماه پیش از اعلام استقلال پاکستان، در دیدار خود با مولانا شبیر احمد عثمانی و مولانا ظفر احمد عثمانی، رهبران جمعیت علمای اسلام، در دهلی و عده داده بود که قانون اساسی پاکستان بر اساس شریعت اسلام خواهد بود. (۱۶) اما پس از تشکیل دولت پاکستان اعلام کرد که نظام پاکستان نظام جمهوری آن هم به شیوه غربی خواهد بود و نمی‌توان در پاکستان یک حکومت مذهبی روی کار آورد.

در سال ۱۹۴۸م. کمیته‌ای به نام "بورد تعلیمات اسلامی" توسط علما، در مجلس مؤسسان پاکستان تشکیل شد که در آن شخصیت‌هایی چون مولانا مفتی محمد شفیع عثمانی و مولانا ظفر احمد انصاری حضور داشتند و مولانا سید سلیمان ندوی ریاست آن را به عهده داشت. فعالیت‌های این کمیته سرانجام با کوشش علامه شبیر احمد عثمانی به تصویب میثاق موسوم به "قرارداد مقاصد" منتهی شد. ولی ژنرال غلام محمد، حاکم پاکستان در سال ۱۹۵۴م. مجلس مؤسسان را منحل کرد؛ مجلسی که با کوشش علما قانون اساسی مبتنی بر اسلام را آماده تصویب کرده بود.

طرفداران و مدافعان تأسیس پاکستان، بویژه علما، وقتی با این وضعیت روبرو شدند، توفانی از ناامیدی بر آرزوهای آنان وزیدن گرفت. مسلمانان پاکستان به جای دست یافتن به آن آرمانهای بلند، با هرج و مرج و وضعیت بد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی مواجه شدند و پاکستان به کشوری بی‌ثبات و با وضعیتی شکننده در زمینه‌های مختلف بدل گشت.

مولانا فضل‌الرحمان رهبر جمعیت علمای اسلام، طی تحلیلی از وضعیت حال و گذشته کشورش که راهکار دموکراسی نتوانسته است ساختار سیاسی دوران سلطه استعمار را در این کشور متحول سازد می‌گوید: «اما پس از استقلال، کشور را به همان وضعیت و مدلی اداره کردیم که این ملت در دوران بردگی خود تحت سلطه غربی [انگلیسی‌ها] اداره می‌شد. ما نتوانسته‌ایم آزادی را به دست آوریم، اما انقلاب را نه. ما

تحولات افغانستان دیگر همسایه پاکستان، نیز همیشه پاکستان را درگیر خود کرده است و روابطی گاه دوستانه و گاه متخاصمانه را رقم زده است. مرز دو کشور را خط «دیورند» مشخص می‌کند که در اواخر قرن نوزدهم توسط انگلیس ترسیم شده است. به علت ادعای مالکیت افغانستان در مورد مناطقی در شمال غرب پاکستان که هر از چندی مطرح می‌شود، اختلاف مرزی دو کشور هنوز پابرجا است. افغانستان در دهه ۷۰ میلادی از شورش‌های ملی‌گرایان پشتون در پاکستان حمایت می‌کرد و نیز وجود دولت سوسیالیستی طرفدار شوروی، روابط آن را با پاکستان، متحد اردوگاه غرب تیره ساخته بود.

پاکستان با آغاز یورش ارتش سرخ به افغانستان، چند میلیون مهاجر افغانی را پذیرفت و مجاهدین از این کشور به عنوان پایگاه مهم خود در جهاد علیه شوروی و رژیم کمونیستی کابل استفاده می‌کردند. پاکستان به عنوان متحد غرب، کمک‌ها و امکانات غرب را دریافت و در اختیار مخالفان رژیم کابل قرار می‌داد و با شکست نیروهای شوروی و سقوط دولت کابل، پاکستان نقش مهمی را در مذاکرات نافرجام مجاهدین ایفا کرد و با پیدایش جنبش طالبان متحد و حامی آنان شد.

پاکستان در دوران بحران داخلی افغانستان همواره به عنوان دوست در کنار مردم این کشور و خصوصاً پشتون‌ها بوده است. پس از حمله یازدهم سپتامبر، پاکستان در انتخاباتی سخت و تحت فشار آمریکا، از حمایت طالبان دست بردار شد و در اشغال افغانستان، آمریکا را یاری کرد که بعد از آن بخشی از این کشور دچار ناآرامی شد و طالبان پاکستانی سربر آوردند که تاکنون علاوه بر تسلط بر وزیرستان، برخی از مناطق ایالت سرحد را نیز تحت کنترل دارند و حضور ارتش در آن مناطق و درگیری با طالبان، هزاران کشته و زخمی و آواره بر جای گذاشته است.

اوضاع داخلی پاکستان نیز مشکلات خاص خود را دارد. به علت تبعیض، بی‌عدالتی و انحصار قدرت به یک قومیت و دخالت خارجی، مردم ایالت‌های اقلیت پاکستان برای دستیابی حقوق خود مبارزه کرده‌اند که آثار و تبعات منفی برای این کشور به بار آورده است که بارزترین آن جدایی پاکستان شرقی و تشکیل بنگلادش در سال ۱۹۷۱م. می‌باشد. بلوچستان همواره منطقه‌ای بحران خیز برای پاکستان بوده است. ارتش پاکستان در مارس ۱۹۴۸م. به منطقه خودمختار کلات در بلوچستان یورش برد و خان کلات، میر احمد یارخان، را مجبور به پیوستن به پاکستان کرد.

بلوچستان به عنوان غنی‌ترین ایالت پاکستان از لحاظ منابع طبیعی و مهم‌ترین تأمین‌کننده سوخت پاکستان، به علت سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی تبعیض‌آمیز، دچار فقر و بی‌عدالتی بوده است. به دلیل همین سیاست‌ها و سرکوبها، احزاب ملی‌گرای بلوچ انتخابات سال ۲۰۰۸م. را تحریم کردند که در نتیجه، این انتخابات با استقبال اندک مردم بلوچستان مواجه شد. تا وقتی که رفتار تبعیض‌آمیز و توسعه طلبانه برخی از حکام و نهادهای پاکستانی در مورد بلوچستان ادامه داشته باشد، بحران در آن باقی خواهد ماند.

امید است دولت جدید همانگونه که زرداری رهبر حزب مردم و گیلانی نخست‌وزیر منتخب در معذرت‌خواهی خود از ملت بلوچ،

مسلم لیگ: حزب مسلم لیگ سراسر هند در دسامبر ۱۹۰۶م. تأسیس شد و تا زمان استقلال پاکستان به فعالیت ادامه داد. پس از استقلال در سال ۱۹۶۲م. حزب مسلم لیگ پاکستان تشکیل گردید. این حزب در مقطعی به سه شاخه به رهبری پیر پاگارا، ملک قاسم و عبدالقیوم خان تقسیم شد. در حال حاضر نیز دو شاخه دارد که یکی شاخه نواز شریف و دیگری شاخه قائد اعظم (طرفدار مشرف) است.

مسلم لیگ بیشتر در ایالت پنجاب نفوذ دارد گر چه متحدانی سنتی در ایالات دیگر هم دارد. مسلم لیگ شاخه نواز شریف رابطه نزدیکی با عربستان سعودی دارد. حزب مسلم لیگ شاخه نواز شریف در انتخابات ۲۰۰۸م. در رتبه دوم پس از حزب مردم قرار گرفت.

حزب مردم: ذوالفقار علی بوتو ملاک زاده سندی که دارای افکار لیبرال سوسیالیستی بود، حزب مردم را در دوره ژنرال ایوب خان و در سال ۱۹۶۷م. با شعار "نان، لباس و سرپناه" (خوراک، پوشاک و مسکن) تأسیس کرد. این حزب در میان توده های مردم طرفداران بسیاری به دست آورد. حزب مردم علاوه بر ایالت سند، خواستگاه اصلی آن، در ایالت های دیگر نیز طرفداران زیادی دارد و می توان آن را یک حزب فراقومی و ملی گرا خواند.

حزب مردم در انتخابات ۲۰۰۸م. پاکستان بیشترین درصد آرا را کسب کرد. آصف علی زرداری گرداننده اصلی و معاون حزب مردم، چندسالی را در زندان حکومت مشرف گذرانده است.

جمعیت علمای اسلام: این حزب را علمای طرفدار تشکیل پاکستان در سال ۱۹۴۵م. در کلکته و با انشعاب از جمعیت علمای هند که معتقد به یکپارچگی هند بود، تأسیس کردند. در دسامبر ۱۹۴۷م. جمعیت علمای اسلام در داخل پاکستان به سازماندهی مجدد پرداخت، اما تا سال ۱۹۵۶م. فعالیت های آن عمدتاً تحت عنوان غیر حزبی و آن هم در سطح امور مذهبی و حقوقی محدود گردید. در سال ۱۹۵۶م. مولانا مفتی محمود، اجلاسی در شهر ملتان تشکیل داد و موجودیت جدید حزب را به طور رسمی اعلام کرد. جمعیت علمای اسلام از این سال به بعد به عنوان یک حزب رسمی سیاسی وارد مبارزات سیاسی گردید. پس از درگذشت مفتی محمود، پسرش مولانا فضل الرحمن رهبری این حزب را بر عهده گرفت. جمعیت علمای اسلام نیز دو شاخه دارد، یک شاخه به رهبری مولانا فضل الرحمن و شاخه دیگر به رهبری مولانا سمیع الحق.

این حزب در انتخابات مجالس ملی و ایالتی سال ۲۰۰۲م. با پنج حزب اسلامی دیگر ائتلاف کرد که در نتیجه آن "متحدہ مجلس عمل" شکل گرفت. متحدہ مجلس عمل در مجلس ملی قریب به ۷۰ کرسی کسب کرد^(۳۱) و در مقابل حزب مسلم لیگ شاخه قائد اعظم (طرفدار مشرف) که اکثریت مجلس ملی را در دست داشت در مقام اقلیت مجلس ایفای نقش کرد. در ضمن در ایالت سرحد دولت تشکیل داد و در ایالت بلوچستان عضو دولت ائتلافی شد.

در انتخابات ۲۰۰۸م. ائتلاف "متحدہ مجلس عمل" برقرار نماند و جمعیت علمای اسلام به طور مستقل در انتخابات شرکت کرد و شش کرسی به دست آورد. همچنین با سه حزب مردم، مسلم لیگ (شاخه نواز) و حزب ملی خلق در دولت ائتلافی جدید شرکت کرد که در نتیجه یک وزیر کابینه فعلی از این حزب است.

جمهوریت را بدون انقلاب به پیش برده ایم، چنین جمهوری عامل بقای همان نظامی می گردد که از قبل مسلط بود. در صورتی که لازم است اولاً نظام را دگرگون سازیم مانند قوه مجریه (دولت)، ارتش و نهادها، روش آن را متحول نموده و آن را در چارچوب هویت ملی قرار دهیم.^(۳۲)

به نظر می رسد این تحلیل یکی از واقع بینانه ترین تحلیل ها باشد، چرا که بدون تحول ساختاری و در هم شکنی چارچوب های نظام استعماری، اصلاحات و ترمیمات روبنایی نمی تواند به تداوم سلطه نظام غیردینی پایان بخشد.^(۳۳)

مسلمانان و در رأس آنان علما برای استقلال پاکستان فداکاریها و جانفشانی های بسیاری کردند، اما برای اداره و مدیریت آن آمادگی نداشتند، لذا اداره کشور به دست کسانی افتاد که در غرب و یا با نظام آموزشی غیردینی تربیت شده بودند.

البته ناگفته نماند که خود علما نیز عموماً با نظام آموزشی ای تربیت شده بودند که از اداره کشور بر اساس شیوه های جدید کشورداری ناتوان بودند. آنان وقتی اوضاع را اینگونه دیدند به جای اینکه به بازسازی نظام علمی و آموزشی خود بپردازند و با توجه به فرصتی که برایشان پیش آمده بود کمبودها و نقایص را برطرف نمایند، به انزوای صحنه اداره کشور رضایت دادند و به تدریس و تبلیغ به شیوه نظام قدیم و سنتی اکتفا کردند. گرچه شماری از علما و شخصیت های برجسته علمی و همچنین رهبران احزاب مذهبی - سیاسی پاکستان، در صحنه ماندند و برای اسلامی کردن نظام پاکستان به تلاش های خود ادامه دادند.

معتبرترین قانون اساسی پاکستان، در سال ۱۹۷۳م. به تصویب رسید و مورد قبول همه طیف های فکری پاکستان قرار گرفت. یک سال بعد و با اوج گرفتن "جنبش ختم نبوت"، تلاش علما خصوصاً مولانا محمدیوسف بنوری به ثمر رسید و توسط ذوالفقار علی بوتو یک بند به قانون اساسی اضافه شد که طبق آن فرقه قادیانی مرتد و خارج از اسلام اعلام شد.

ژنرال ضیاءالحق در دوره حکومت خود به "قرارداد مقاصد" به عنوان معیار قانون گذاری در پاکستان حیثیت قانونی داد. وی "شورای آرای اسلامی" را که با عضویت علما تشکیل شده بود، احیا کرد تا نظرات و پیشنهادات لازم را به قانونگذاران در مورد اسلامی کردن قوانین ارائه کند.^(۳۴)

در ماه مه ۱۹۹۱م.، در دوره نخست وزیری نواز شریف، مجلس ملی قانون شریعت را پذیرفت و از این طریق قوانین اسلامی در سیستم قانونی پاکستان راه یافت. همچنین مجلس قوانینی را برای اسلامی کردن سیستم قضایی، اقتصادی و آموزشی پذیرفت. بی نظیر بوتو به این قانون به عنوان اینکه افراطی و بنیادگراست اعتراض نمود، در حالی که جمعیت علمای اسلام اعلام نمود که قوانین جدید به اندازه کافی اسلام را مورد ملاحظه قرار نداده است.^(۳۵)

نیروهای سیاسی پاکستان

پاکستان به سبب نوع نظام حکومتی و بافت قومی و مذهبی، دهها حزب و سازمان سیاسی سراسری و محلی دارد.

تصمیم گیری و اتخاذ سیاست های دولت جدید پاکستان، پیدا کرد. رهبران دولت جدید پاکستان، قبل از تشکیل دولت در دیدار با معاون وزیر خارجه آمریکا اعلام کردند که پارلمان مرکز اتخاذ تصمیمات در پاکستان است.

در هر صورت از دولت جدید و احزاب سیاسی پاکستان انتظار می رود با تأمل در رویدادهای چند سال اخیر، در بسیاری از اقدامات به عمل آمده توسط ژنرال مشرف، تجدیدنظر کنند و به مشکلات داخلی این کشور رسیدگی نمایند. برنامه های اعلام شده توسط نخست وزیر جدید نیز حکایت از این امر می کند، ولی باید دید پرویز مشرف به عنوان رئیس جمهور چگونه از تغییر سیاست توسط دولت جدید استقبال خواهد کرد.

به هر حال شش دهه از تأسیس کشور پاکستان گذشته است و مردم این کشور فراز و نشیب ها و روزهای تلخ و شیرین بسیاری را تجربه کرده اند. امید است در دهه هفتم، که امسال اولین سال آن است، و دهه های پس از آن، شاهد روزهای بهتری در تاریخ ملت مسلمان پاکستان باشیم.



پی نوشتها:

- ۱- شیخ الاسلام مولانا حسین احمد مدنی، یک سیاسی مطالعه، گردآوری دکتر ابوسلمان شاهجهانپوری، ص: ۳۳۸، ناشر: مجلس یادگار شیخ الاسلام، چاپ سوم، ۲۰۰۶م، کراچی، پاکستان.
- ۲- هند و پاکستان کی تحریک اور علمای حق کا سیاسی موقف، مولانا سعید احمد اکبر آبادی، تکمیل و تدوین دکتر ابوسلمان شاهجهانپوری، ص: ۵۵، ناشر: جمعیت پبلیکیشنز، چاپ اول، ۲۰۰۷م، لاهور، پاکستان.
- ۳- نقش حیات، مولانا حسین احمد مدنی، دارالاشاعت کراچی، ص: ۴۵۰، نگاهی به تاریخ جهان، جواهر لعل نهرو، ترجمه محمود تفضلی، جلد دوم، ص: ۷۹۷-۸۰۲، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۶۶، تهران.
- ۴- پاکستان، گردآوری و تنظیم زیبا فرزین نیا، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، از سلسله مباحث کشورهای سازمانهای بین المللی/شماره ۸۷، ص: ۱۰۸، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۶، تهران.
- ۵- آزادی هند، مولانا ابوالکلام آزاد، مکتبه جمال لاهور، ص: ۲۵.
- ۶- پاکستان، زیبا فرزین نیا، ص: ۱۰۹، همان، ص: ۱۰۹.
- ۸- اسیران مالتا، مولانا محمدعمیران، شمسعی پیشنگ هاوس کراچی، ص: ۱۹۷.
- ۹- پاکستان، زیبا فرزین نیا، ص: ۱۱۲.
- ۱۰- بلوچستان چندپهلو، دکتر انعام الحق کوثر، اداره تصنیف و تحقیق بلوچستان، کوئته، ۲۰۰۵م.
- ۱۱- پاکستان، زیبا فرزین نیا، ص: ۱۱۲، همان، ص: ۱۱۳.
- ۱۳- بی نظیر بوتو دختر شرق (خاطرات بی نظیر بوتو نخست وزیر فقید پاکستان)، ص: ۱۰۳، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۶، تهران.
- ۱۴- پاکستان، زیبا فرزین نیا، ص: ۱۲۱.
- ۱۵- نواب اکبر بگتی کیون قتل کیا گیا، انور ساجدی، ص: ۳۳، دور جدید کراچی، کوئته، ۲۰۰۶م.
- ۱۶- حیات عثمانی، انوارالحسن شیرکوٹی، ص: ۵۷۶، مکتبه دارالعلوم کراچی، ۱۹۸۸م.
- ۱۷- جنبش اسلامی پاکستان؛ بررسی عوامل ناکامی در ایجاد نظام اسلامی، محمداکرم عارفی، ص: ۲۰۳، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۲، قم.
- ۱۸- همان.
- ۱۹- نقوش رفتگان، مولانا محمدتقی عثمانی، ص: ۲۷۰، اداره المعارف کراچی، ۱۹۹۴م.
- ۲۰- پاکستان، زیبا فرزین نیا، ص: ۱۲۴.
- ۲۱- مصاحبه اختصاصی با مولانا فضل الرحمن، روزنامه جنگ کراچی، مورخ ۱۱ مارس ۲۰۰۸م.

حزب جماعت اسلامی: ابوالاعلی مودودی جماعت اسلامی را در سال ۱۹۴۱م. تأسیس کرد. این جماعت تا پیش از استقلال پاکستان سازمانی غیرسیاسی بود و از نظریه تأسیس پاکستان حمایت نمی کرد. اما مودودی پس از استقلال، از هند به پاکستان مهاجرت کرد و تا سال ۱۹۵۱م. در کنار دیگر علما و شخصیت های برجسته مذهبی، جهت اسلامی کردن قانون اساسی و نظام پاکستان تلاش کرد. جماعت اسلامی پس از گردهمایی اعضایش در نوامبر ۱۹۵۱م. در شهر کراچی، فعالیت سیاسی برای اصلاح نظام سیاسی کشور را به عنوان یک اصل در برنامه اش قرار داد و از همان سال در انتخابات شرکت کرد. رهبر فعلی جماعت اسلامی قاضی حسین احمد است. این حزب در انتخابات سال ۲۰۰۲م. از احزاب برجسته ائتلاف موسوم به "متحده مجلس عمل" بود، اما انتخابات سال ۲۰۰۸م. را تحریم کرد.

از دیگر احزاب پاکستان می توان به حزب ملی خلق [۱۹۶۸م.] به رهبری خان عبدالولی خان، نهضت قومی مهاجر [۱۹۷۸م.] به رهبری الطاف حسین، حزب جمهوری وطن به رهبری نواب اکبر خان بگتی (رهبر فعلی برآمدن بگتی)، حزب ملی بلوچستان به رهبری سردار اختر مینگل، حزب انصاف [۱۹۹۶م.] به رهبری عمران خان، جمعیت علمای پاکستان (بریلوی) [۱۹۴۸م.]، جمعیت اهل حدیث، تحریک جعفریه [۱۹۷۹م.] و همچنین احزاب و جمعیت های دیگری اشاره کرد.

انتخابات اخیر پاکستان

در انتخابات ۱۸ فوریه ۲۰۰۸م. (۲۹ بهمن ۱۳۸۶) هیچ یک از احزاب سیاسی نتوانست به تهابی اکثریت لازم برای تشکیل دولت را کسب کند. حزب مردم و حزب مسلم لیگ (شاخه نواز) به ترتیب بیشترین کرسی های مجلس ملی را به دست آوردند و سرانجام با پیوستن دو حزب ملی خلق و جمعیت علمای اسلام (شاخه فضل الرحمن) به آنها، یک دولت ائتلافی تشکیل شد.

مخالفان پیروز مشرف در انتخابات سراسری مجلس ملی و مجالس ایالتی یعنی حزب مردم و خصوصاً مسلم لیگ، همان اوایل پیروزی، خواستار استعفای مشرف و احیای دیوان عالی پاکستان شدند. در مورد مسائل داخلی، آصف علی زرداری رهبر حزب مردم از بلوچ ها به خاطر ستم و بی عدالتی و تبعیضی که در حق آنان روا داشته شده است از طرف مردم پاکستان عذرخواهی کرد.

سید یوسف رضا گیلانی در ۲۹ مارس ۲۰۰۸م. (۱۰ فروردین ۱۳۸۷) به عنوان بیست و سومین نخست وزیر پاکستان انتخاب گردید. او اولین نخست وزیری است که همه نمایندگان مجلس ملی اعم از موافق و مخالف به او رأی اعتماد دادند. گیلانی کابینه ائتلافی را متشکل از چهار حزب تشکیل داد و برنامه صد روز اول دولت خود را با اولویت احیای دیوان عالی، آزادسازی رسانه ها، مذاکره با کسانی که سلاح به دست دارند، تشکیل کمیسیون مصالحه در بلوچستان و اصلاحات اقتصادی اعلام کرد.

محمود قریشی وزیر خارجه جدید دولت پاکستان، در اولین مصاحبه خود از جامعه جهانی خواست به رأی مردم پاکستان که برخاسته از جمهوریت است، احترام بگذارند و خود را با سیاست های آن هماهنگ سازند. در این سخنان وی می توان نشانی از استقلال در